

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندریوف کوریبکو* - Andrew Korybko
برگردان از: حمید محوی
۲۷ نومبر ۲۰۱۹

جنگهای ترکیبی : ۲. آزمون نظریه جنگ ترکیبی در مورد سوریه و اوکراین



[Oriental Review](#) اوریاتنال ریویو : کتاب آندریوف کوریبکو، جنگهای ترکیبی : رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم، مشخصاً به وضعیتی می پردازد که سوریه و اوکراین را نخستین قربانیان جنگ ترکیبی ایالات متحده معرفی می کند، ولی بُرد مقاله به شکلی بیان شده که ابداعات نام برده در بخش ۱^۱ که در انتشار اصلی درج نشده است، در کل طول حرکات اهمیت خود را نشان می دهد. هدف نشان دادن کشف جدید و جوهی ست که می تواند در نظریه عمومی ادغام گشته و درک آن را به شکل کاملتری ممکن کند و به ناظران اجازه دهد تا با دقت بیشتری آینده میدان های نبرد را که جنگهای ترکیبی می تواند در آنجا روی دهد تشخیص دهند.

¹ مترجم : ترجمه به فارسی آندریوف کوریبکو زیر عنوان : جنگهای ترکیبی : ۱. قانون جنگ ترکیبی

این بخش از پژوهش در ادامه الگوی نظریه پرداختی که توضیح داده شد واقع شده است. این بخش از تعیین کننده های ژنو ستراتیژیک و اقتصادی در پشت پرده جنگهای سوریه و اوکراین حرف می زند، پیش از آن که به بررسی شکنندگی های ساختار اجتماعی سیاسی بپردازد که ایالات متحده می خواهد با احتساب کسب توفیق به درجات مختلف از آنها بهره برداری کند. آخرین بخش شامل نظریه پیش شرط اجتماعی و ساختاری ست و مختصراً توضیح می دهد چگونه در هر وضعیتی حضور داشته است.

تعیین کننده های ژنو ستراتیژیک

سوریه :

جمهوری عرب که به شکل سنتی لائیک است در طرح انقلاب رنگی صحنه پردازی شده به کارگردانی ایالات متحده در کوران بهاران عرب به سال ۲۰۱۱ بلعیده شد. اگر بخواهیم به اختصار بیان کنیم، بنیادهای ستراتیژیک این عملیات فوق العاده بزرگ، طرح ایالات متحده عبارت بود از کمک به گروه فراملی اخوان المسلمین که می بایستی از الجزائر تا سوریه از طریق یک سری عملیات تغییر رژیم همزمان علیه دولتهای رقیب (سوریه)، همکاران نامطمئن (لیبی)، و دولت های ماهواره ئی ستراتیژیک مربوطه از طریق انتقال اجتناب ناپذیر حاکمیت (مصر، یمن) به قدرت برسند. محیط ستراتیژیک حاصله از آن می بایستی جنگ سرد در اروپای شرقی را مجدداً به روی صحنه بازی کند، با این حساب که هر یک از دولتها از سوی یک حزب (اخوان المسلمین به جای حزب کمونیست) و زیر کنترل نیابتی یک پشتیبان خارجی اداره شود، در این صورت یک شرکت مشارکتی به ریاست ترکیه و قطر با دست پنهانکار ایالات متحده.



سوریهها در دمشق به پشتیبانی از رئیس جمهور بشار اسد، اکتوبر ۲۰۱۱

این کنفدراسیون ایدئولوژیک که به شکل ابهام آمیزی سازماندهی شده به اندازه کافی پراکنده بوده تا این که از طریق تاکتیکهای ساده «اختلاف بینداز حکومت کن» قابل کنترل باشد (با جلوگیری همیشگی از تشکیل هر گونه سازمان مستقل بین عربستان سعودی و دولتهای خلیج [فارس])، ولی از سوی دیگر باید بسادگی در بسیج نفرت فرقه ئی آنها علیه ایران و منافع این کشور در منطقه تحریک پذیر باقی بمانند، یعنی وضعیتی که آنان را به ابزاری فوق العاده

انعطاف پذیر برای ترویج ستراتیژی کلان امریکا در خاورمیانه تبدیل می کند. با توجه به منشأ هرج و مرج آسیای این دام^۲ ژئوپلیتیک، از پیش تعیین شده است که عناصر آن می تواند احتمالاً بر اساس طرح تحقق نیابد و فقط تحقق جزئی این طرح می تواند در کوران نخستین اقدامات واقعاً به انجام رسد و مشخصاً به همین گونه نیز روی داد، یعنی وقتی که مردم سوریه در مقابل این تهاجم جنگ ترکیبی ایستادند و شجاعانه برای دفاع از دولتی با سابقه تمدنی طولانی فراسوی قرنها مبارزه کردند. می توانیم بگوئیم که سوریه همیشه به مثابه مهمترین هدف ستراتیژیک بین همه کشورهای متأثر از بهار عرب مطرح بوده و این واقعیت فراسوی پنج سال^۳ جنگ ترکیبی ناامید کننده به اثبات رسیده است که در پاسخ به نخستین تلاش ایالات متحده برای تغییر رژیم علیه این کشور به راه افتاد و به شکست انجامید.

در مقایسه، مصر، پر جمعیت ترین کشور عرب از وقتی که دولت اخوان المسلمین (برادران مسلمان) را که از جانب امریکائی ها تحمیل شده بود سرنگون کرد فقط مجبور شد در سطح نازلی با تروریسم (تروریسم به مدیریت قطر) در سحرای سینا مقابله کند. علت این فاصله عظیم در مقایسه با اهداف ستراتیژیک مهم امریکائی ها که مربوط است به تعیین کننده های ژئو ستراتیژیک در پشت پرده جنگ علیه سوریه. این موضوع را کمی دورتر توضیح خواهم داد.

اوکراین :

تعیین کننده های ژئو ستراتیژیک در پشت پرده جنگ در اوکراین خیلی ساده تر از جنگ علیه سوریه است، و اغلب آنها در نخستین بخش^۴ وقتی که از ستراتیژی «بازگشت برژینسکی»^۵ حرف می زنیم توضیح داده شده است، دام ژئوپلیتیک. بخشی از انگیزه پنهان در سرنگونی دولت اوکراین، با شروع قتل های عام ضد روسی که متعاقباً به وقوع پیوست جذب روسیه در دام مداخله جویانه مشابه سال ۱۹۷۹ در افغانستان بود. جنگ علیه دونباس تجدید حیات این اقدام و اشنگتن بود که توفیقی در به دست آوردن اهدافش نداشت ولی خیلی بیشتر موفق شد کل سرزمین اوکراین را به سلاح ژئوپلیتیک علیه روسیه تبدیل کند.



نقشه سیاسی اوکراین پیش از کودتای فبروری ۱۹۱۴

^۲ مترجم : در متن کلمه Gambit استفاده شده که من آن را [دام] ترجمه کردم، در اصل به معنای نوعی ستراتیژی در بازی شطرنج است که سربازی را برای کسب امتیاز بیشتر در حرکت بعدی قربانی می کنند.
^۳ مترجم : روشن است که تاریخ این نوشته مارچ ۲۰۱۶ و امروز نومبر ۲۰۱۹ هستیم و پس از هشت سال جنگ در سوریه همچنان ادامه دارد.

^۴ [partie 1](#)

^۵ [Revers Brzezinski](#)

مترجم : ترجمه فارسی : جنگهای ترکیبی : ۱. قانون جنگ ترکیبی

کلام قصار مشهور برژینسکی می گوید که « بدون اوکراین، روسیه جایگاهش را به عنوان امپراتور اوروآسیائی از دست خواهد داد»^۶، با وجود این وقتی این موضوع را مطرح می کرد بینش دیگری در ذهنش داشت (او فکر می کرد که روسیه به شیوه امپراتوری در منطقه برای باززائی شوروی خواهد کوشید). از دیدگاه ژئوپلیتیک کلام قصار او حاوی بسیاری از واقعیات بنیادی ست. امنیت ملی فدراسیون روسیه در ابعاد گسترده بستگی به رویدادهای اوکراین دارد، به ویژه حاشیه وسیع غربی و یک دولت مخالف روسیه در کی یف که حاضر است میزبان زیربنای دفاع ضد راکتی امریکا باشد (و این شیوه بیان یا حسن تعبیر آرامش بخشی ست برای کتمان افزایش شانس ایالات متحده در خنثی سازی توان دومین ضربه روسیه و در نتیجه کسب وضعیت برتر در باج خواهی و تهدید اتومی) و بر این اساس تهدید بزرگ ستراتیژیک را [علیه روسیه] تشکیل خواهد داد. برای بازتعریف برژینسکی و مشخص تر نمودن کلام قصار او می توانیم بگوئیم که «اگر غرب بتواند در آلت دست قرار دادن اوکراین تا جایی توفیق به دست آورد که این کشور را به دشمن دراز مدت روسیه تبدیل کند، در این صورت مسکو برای بلند پروازیهای چند قطبی آینده اش به مانع ژئوستراتیژیک کلانی برخورد خواهد کرد».

سناریوی مصیبت بار اوکراین در میزبانی قطعات دفاع ضد راکتی ناتو یا ایالات متحده هنوز نقش خود را کاملاً بازی نکرده است، ولی کشور هنوز به برداشتن چند گام کوچک تا پیوستن به ناتو در جایگاه عضو^۷ تمام عیار فاصله دارد، موضوعی که موجب بخشی از مشارکت می شود، بدون تضمین متقابل رسمی روی موضوع دفاع. افزایش همکاری نظامی بین کی یف و واشنگتن و در گسترش آن، بین اوکراین و جبهه آتلانتیست، روی مانورهای خشونت آمیز علیه منافع ستراتیژیک روسها بنیانگذاری شده است. با وجود این، وضعیت آنچنان بد نیست چرا که می توانست از این نیز بدتر باشد زیرا امریکائی ها در نقشه های ستراتیژیک خودشان تصور کرده بودند که در حال حاضر پنتاگون کنترل کریمه را در اختیار خواهد داشت و در نتیجه در وضعیتی خواهد بود که می تواند قطعات دفاع ضد راکتی و دیگر فن آوریهای بی ثبات ساز خود را مستقیماً در دروازه های روسیه مستقر کند. اشتباه نهائی در بینش غربی در کوران تدارکات جنگ ترکیبی، این بود که فکر می کردند روسیه بدون دفاع از منافع تمدنی، بشر دوستانه و ژئوستراتیژیک خودش در کریمه واپس خواهد کشید (یا اگر واپس ننشست در باتلاق « بازگشت برژینسکی »^۸ خواهد افتاد)، البته همانگونه که امروز تاریخ گواهی می دهد، این یک اشتباه بزرگ بین بزرگترین اشتباهات دیگری بود که امریکائی ها در محاسباتشان مرتکب شدند.

تعیین کننده های ژئو ستراتیژیک

سوریه :

سوریه از دیدگاه ستراتیژی کلان امریکا حائز اهمیت بسیار زیادی ست، زیرا می بایستی پایانه خط مشترک لوله های انتقال سوخت مایع^۹ «خط لوله های انتقال سوخت مایع دوستی» ایران و عراق را در خود جای می داد. این مسیر خط لوله برای ایران این امکان را فراهم می کرد که به بازار اروپا دسترسی داشته باشد و کاملاً رژیم مجازاتهای را خنثی

⁶ [aphorisme de Brzezinski](#)

⁷ Andrew KORYBKO, *Shadow NATO Comes Out of the Closet*

<https://orientalreview.org/2014/09/01/shadow-nato-comes-out-of-the-closet/>

⁹ [Pipeline de l'Amitié](#)

⁸ پاورقی شماره ۵

کند که ایالات متحده در گذشته علیه این کشور به اجراء گذاشته بود. هم زمان با این طرح، یک طرح رقیب دیگر از سوی قطر برای ارسال گاز خودش از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه به اتحایه اروپا در جریان بود، که از ترکیه و یونان باید عبور می کرد. رئیس جمهور اسد ماهرانه این پیشنهاد قطر را برای وفاداری دراز مدت سوریه به هم پیمان ایرانی اش رد کرد. جنگ علیه سوریه پس از جنگ ترکیبی در بهار عرب با شدت بسیاری از سوی ایالات متحده و دولتهای خلیج [فارس] پشتیبانی شد، صرفاً به این هدف که کشوری را که از تبدیل شدن به ماهواره جهان تک قطبی سر پیچی می کند مجازات کنند.



«خط لوله های انتقال سوخت مایع دوستی» با تیتز «خط لوله های انتقال سوخت مایع اسلامی» (یا «پیبیلین اسلامی»)

اگر خط لوله های انتقال سوخت مایع دوستی به انجام می رسید یکی از مهمترین طرح های مشترک جهان چند قطبی فراملی جهان می بود، یکی از مهمترین راه های اتصالی فراملی که با عرضه انرژی و دالان سرمایه گذاری با وصل کردن ایران به اتحادیه اروپا به انقلابی در عرصه ژئوپلیتیک منطقه می انجامید. در نتیجه می توانست به تغییرات معنی داری در توازن نیروها در خاورمیانه منتهی شود، که در این بازی بازنده مطلق آن ایالات متحده و هم پیمانانش در خلیج [فارس] می بود. با درک تهدید شدیدی که این خط لوله های دوستی می توانست برای فرادستی ایالات متحده امریکا از دهه ها پیش در منطقه داشته باشد، تصمیم گرفتند کاری کنند که این طرح هرگز به اجراء گذاشته نشود، چگونگی جلوگیری از آن نیز هیچ اهمیتی نداشت. این موضوع یکی از دلایل و بخشی از پشت پرده ایجاد «دولت اسلامی در عراق و سوریه» (ISIS) را توضیح می دهد. از این دیدگاه بازی ایالات متحده امریکا خیلی روشنتر می شود: به این معنا که چرا بی ثبات سازی نه مصر بلکه سوریه را به اولویتهای خودشان تبدیل کردند، و چرا این همه منابع بی شمار را به این طرح اختصاص دادند، به علاوه سازمان ائتلاف بین المللی از طریق نیابتی برای کمک به آنها برای دستیابی به چنین هدفی.

ایالات متحده این طرح را به هدف ایجاد مانع ظاهراً عبورناپذیر بین روسیه و اتحادیه اروپا می خواست به اجراء گذارد، با آگاهی به این امر که مشکلات امنیتی (نظامی، انرژی، اقتصادی و از دیدگاه ستراتیژیک) قابل پیشبینی به شکل فوق العاده ای همکاری بین آنها را مختل خواهد کرد و بروکسل را در بازی برنامه ریزی شده قدرت سنگین تک قطبی ایالات متحده آسیب پذیر خواهد کرد. ایالات متحده برای حفظ موضع فرادست مدارانه خود روی اروپا باید سناریوی می اندیشید که بتواند بین روسیه و اروپا را برای دراز مدت جدائی بیندازد و این جدائی می بایستی تا جائی که ممکن است شدید باشد تا شانس سه طرح کنترل ضروری ذیل را بتواند به اروپا تحمیل کند :

۱. گسترش دائمی ناتو در وضعیت آماده باش در شرق (کنترل نظامی).

۲. صادرات گاز طبیعی مایع امریکائی به اروپا و فراخوان به راه های انرژی جالب که متعلق به روسیه نباشد مانند دالان گاز جنوب^{۱۱} (کنترل عرصه انرژی).

۳. و همکاری برای تجارت و سرمایه گذاری فرا آتلانتیک (TTIP) که بین همه امتیازاتی که به ایالات متحده اعطا می کند، برای اروپا توافق مبادله آزاد دیگری را بدون تأیید واشنگتن به امری امکان ناپذیر تبدیل می سازد (کنترل اقتصادی).

در کل، این سه عامل برای تقویت بزرگترین اهداف ستراتیژیک ایالات متحده در نظر گرفته شده اند که در پیوند تنگاتنگ بایکدیگر بوده و باید در عین حال چشم انداز توفیق خاص خودشان را افزایش دهند. این برخورد تمدنهاست که به شکل تصنعی بین غرب و اوراسیا و روسیه «شوک» وارد می کند، که بر اساس همین نظریه [برخورد تمدنی] ایالات متحده از این پس از اتحادیه اروپا انتظار دارد که از روسیه بترسد و در نتیجه بی درنگ به آغوش عمو سام پناه ببرد که گوئی «مدافع تمدن غربی» نیز هم اوست. این همان طرح نهائی ست که ایالات متحده می خواهد آن را در اروپا به انجام رساند، و توفیق اجرای آن در کنار سه عنصر کلیدی (ارتش، انرژی و مسائل اقتصادی ترسیم شده در بالا) شرایطی را برای تسلط فرادست مدارانه چند نسلی در اروپا به وجود می آورد و در نتیجه برای دهه ها شانس ضد حمله چند قطبی علیه ایالات متحده خنثی خواهد شد.

شکندگی ساختار اجتماعی سیاسی - سوریه

منشأ قومی :

دست کم ۹۰٪ جمعیت سوریه عرب هستند در حالی ۱۰٪ باقیمانده غالباً از کُردها تشکیل شده است. از دیدگاه جنگ ترکیبی، می توانیم تصور کنیم که چنین وضعیتی می تواند برای بی ثبات سازی دولت کارائی داشته باشد، ولی چند عامل مانع ارتقاء ظرفیت آن در حد و حدودی شد که امریکائی ها انتظار داشتند. پیش از همه، مردم سوریه به دلیل میراث فرهنگی خیلی میهن دوست هستند و غالباً مخالفت پر شوری علیه اسرائیل ابراز می کنند. در نتیجه، در حالی که تعدد افکار سیاسی و شخصی در بطن جامعه غالباً تک قومی امر روشنی ست ولی هرگز امکال واقعی برای قیام خشونت آمیز علیه دولت وجود نداشت، به همین علت ضروری بود که برای برآوردن نیازهایشان در جنگ ترکیبی تعداد زیادی از تروریستها و مزدوران شبه نظامی بین المللی را از خارج وارد میدان نبرد سوریه کنند.

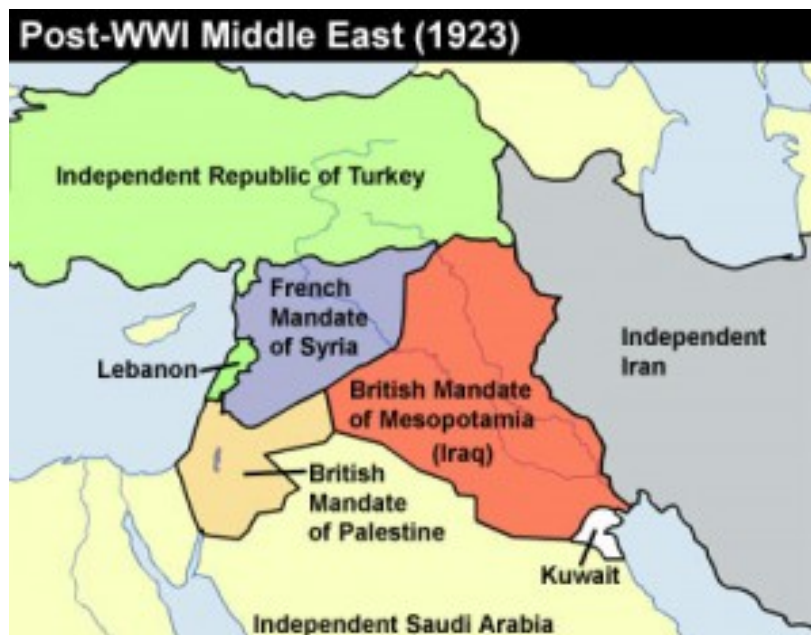
¹¹ [corridor gazier sud](#)

وجود ۵ سال^{۱۲} تحریک تروریستی با انگیزه های مذهبی) ولی به عنوان شعار همبستگی برای بازسازی صفوف جهاد طلبان خارجی مورد استفاده قرار گرفت و پوشش مطلوبی شد برای ایالات متحده و هم پیمانانش تا شعار رئیس جمهور اسد «نماینده مردم نیست» تا در نتیجه [همه این تلاشها] سرنگونی او مقبولیت عام پیدا کند.

تاریخ :

قدمت تاریخی سوریه بیش از هزار سال و یکی از غنی ترین تمدنهای قرون و اعصار است. در نتیجه، احساس خدشه ناپذیر میهن دوستی نزد شهروندان این کشور با چنین واقعیت تاریخی درآمخته که بعدها کارایی خود را به مثابه یکی از بارزترین ابزارهای دفاعی علیه جنگ ترکیبی به تماشا گذاشت (همبستگی تمدنی). روشن است که ستراتیژیست های امریکائی در پژوهشهای مقدماتی و آماده سازی سوریه به این موضوع پی برده بودند ولی خیلی بسادگی اهمیت آن را دست کم پنداشته و به ویژه با این پندار که می توانند با بازگشت موفقیت آمیز به سالهای کودتاهای پی در پی و بی ثبات زا دست به تحریکاتی بزنند که به دوران پیشا حافظ اسد [پدر بشار اسد] تعلق دارد. ولی [خلاف محاسبات این ستراتیژیستها]، اکثریت مردم سوریه می دانستند و صادقانه سهم خاندان اسد در ایجاد ثبات و توفیق کشورشان را تحسین می کردند و نمی خواستند دست به کاری بزنند که کشورشان را به سالهای تاریکی بازگردانند که پیش از ارتقاء سیاسی این خاندان در حکومت تجربه کرده بودند.

دولت :



میراث مختصر «مرزهای دولتهای مختلف»^{۱۳} در کوران اشغال فرانسوی به پیش زمینه ژنو پلیتیک امریکائی ها برای باززانی تجزیه رسمی یا فدرالی سوریه تبدیل شد.

¹² مترجم : تاریخ این نوشته سال ۲۰۱۶ و امروز می توانیم بگوئیم پس از ۸ سال

¹³ [limites administratives distinctes](#)

حتا اگر بخش مهمی از خاطره تاریخی این دوران در روان سوریهای معاصر زودده شده باشد (مگر برای پرچم تروریستهای ضد دولتی که مربوط است به دوران قیمومیت [و استعمار فرانسوی])، به این معنا نیست که هیچ امکانی برای کاربست مجدد آن در آینده و توجیه چنین امری به عنوان یادمانده تاریخی و تحریک این پیش زمینه با هدایت از خارج وجود ندارد. مداخله ضد تروریستی روسیه در سوریه امکان تجزیه رسمی کشور را خنثی کرد، ولی مسابقه کنونی برای رقه^{۱۴} به این معناست که نیروئی که پایتخت تروریستها را تسخیر کند بهترین کارتها را برای تعیین ترکیب داخلی دولت پسا جنگ در اختیار خواهد داشت، و این امکان را برای ایالات متحده و عواملش فراهم می کند تا راه حل فدرالیستی را به سوریه تحمیل کند که با پشتیبانی امریکا به ایجاد مناطق وسیع خود مختار خواهد انجامید.

شکاف اجتماعی و اقتصادی :

سوریه پیش از جنگ دارای توزیع نسبتاً متعادلی در نماگر های اجتماعی و اقتصادی بود، با وجود تداوم قاعده کلیشه نی در مناطق شهری که کلاً توسعه یافته تر از مناطق روستائی ست. گرچه مناطق روستائی ستون اغلب مناطق جغرافیائی کشور را تشکیل می دهند، فقط یک بخش از جمعیت در آنجا ها زندگی می کنند، اغلب سوریها در طول دالان شمال به جنوب در غرب حلب، حما، حمص و دمشق ساکن هستند در حالی که بخشی از جمعیت سوریه که از دیدگاه ستراتیژیک حائز اهمیت هستند غالباً در مناطق ساحلی لاذقیه زندگی می کنند. تا سال ۲۰۱۱، سوریه در حفظ رشد اقتصادی اش موفق بود و اگر جنگ ترکیبی علیه این کشور به راه نمی افتاد هیچ دلیل وجود نداشت که این روند رشد متوقف شود. در نتیجه، گرچه در دوران پیش از جنگ شکافهای اجتماعی و اقتصادی مطمئناً در سوریه وجود داشته، ولی بخوبی از سوی دولت مدیریت می شد (تا حدودی به دلیل تمایلات نیمه سوسیالیستی دولت) و به هر روی عنصری نبود که ایالات متحده بتواند از آن بهره برداری کند.

جغرافیائی :

این یکی از خصوصیات ست که بهتر از همه به نفع جنگ ترکیبی علیه سوریه عمل می کند. این عنصر انقلاب رنگی روی دالان شمال-جنوب در غرب با جمعیتی پر تراکم که پیش از این توضیح دادم تمرکز یافته بود، در حالی که مناطق جنگی نامتعارف توفیق خود را در مناطق روستائی خارج از این منطقه (دالان شمال - جنوب در غرب) جست و جو می کرد. مقامات [سوری] طبیعتاً برای پاسخگویی همزمان به نیازهای امنیتی شهرها و روستاها به مشکل برخورد کرده بودند، و حجم پشتیبانی هائی که ایالات متحده و هم پیمانانش در خلیج [فارس] از طریق ترکیه برای تروریستها می فرستادند موقتاً تعادل وضعیت نظامی را مختل کرد و به بن بست انجامید که نخستین سالهای جنگ را تحت تأثیر قرار دارد (با پیشروی و واپس نشینی مواضع و تغییرات چشم گیری که گهگاه به وقوع می پیوست). در این مدت، به

ویکیپدیا : دولت العلونین دولتی است که قیمومت فرانسه بر سوریه در بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۶ در سواحل دریای مدیترانه (امروز شامل دو استان لاذقیه و طرطوس است) به وجود آورد. فرانسه سواحل سوریه را در خلال جنگ جهانی اول سال ۱۹۱۸ به تصرف خود درآورد؛ و جامعه ملل «اقلیم العلونین» را به قیمومیت فرانسه در تاریخ ۲ سپتمبر ۱۹۲۰ بخشید. درابتداء این اقلیم دولت خودگردان در زیر نظر این قیمومیت بود تا در ۱ جولای ۱۹۲۲ اقلیم العلونین با فدرال سوریه زیر نظر این قیمومیت ادغام شد. در ۲۹ سپتمبر ۱۹۲۳، این دولت سنجاق لاذقیه و پایتخت آن نیز شهر لاذقیه اعلام شد، و در ۱ جنوری ۱۹۲۵ اسمش به طور رسمی به دولت العلونین تغییر نام یافت؛ و در ۲۲ سپتمبر ۱۹۳۰، دوباره به اسم قبلیش سنجاق لاذقیه نامگذاری شد و جمعیت آن نیز در تاریخ مذکور ۲۷۸،۰۰۰ تن بوده است. این دولت، ۵ دسامبر ۱۹۳۶-۳۷ در نهایت جزء کشور سوریه اعلام شد.

¹⁴ pour Raqqa

این علت که ارتش عرب سوریه می بایستی روی محور مسائل امنیتی دالان تراکم جمعیت متمرکز می شد و به فوریت به آن پاسخ می گفت، دولت اسلامی در عراق و شام (ISIS- Islamic State of Iraq and the Levant) در وضعیتی قرار گرفت که توانست پیشرفتهای نظامی متعارفی را به سرعت در دشتها و صحراهای بخش شرقی کشور به ثبت رساند که از دیدگاه لوژیستیکی مدیریت آن ساده بود و به سرعت خلافت خود را بر پا کرد که نتایج آن موتور جریان رویدادهای کنونی در سوریه است.

شکندگی ساختارهای اجتماعی و سیاسی – اوکراین منشأ قومی :

عامل جمعیتی اوکراین بین شرق و غرب، روسها و اوکرائینی ها خیلی شناخته شده است و به شکل گسترده درباره آن بحث کرده اند در متن جنگ ترکیبی، این تقسیم بندی جمعیتی تقریباً جراحی شده (به استثنای کثرت روسها در اودسا و در اکثریت کریمه) فرصت بسیار مناسبی برای طراحان ستراتیژیهای امریکائی بود، زیرا این موضوع دوگانگی جمعیتی ریشه داری ایجاد کرد که توانست بسادگی در سر بزنگاه مورد استفاده قرار گیرد.

دین :

در اینجا نیز یک شکاف جغرافیائی تقریباً کامل بین شرق و غرب وجود دارد، با ارتدکس های روسی و کلیساهای ارتدکس اوکرائینی که دو گروه مهم از جمعیت کشور را نمایندگی می کنند. دورتر به سمت غرب، کلیسای کاتولیک شرقی^{۱۵} و کلیساهای کاتولیک، به طور کلی مرتبط هستند با سرزمینهای قدیمی در دومین جمهوری پولند بین دو جنگ [اول و دوم جهانی]. فرقه گرانی در مسیحیت نشان آشکاری برای فراخوان همبستگی در اروپا – میدان (Maïdan) نبود، ولی طرفداران افراطی از پیروزی کودتا به مثابه پوششی برای تخریب کلیساهای ارتدکس روسی استفاده کردند و مذاهب دیگر در اردوی ملی که هدفش تحریک پاکسازی قومی و فرهنگی^{۱۶} جمعیت روسی بود.



مترجم : صدها هزار اوکرائینی در جست و جوی پناهندگی به روسیه هستند تا از حرکات نظامی مجازات کننده «دولت انقلابی» کی یف بگریزند.

¹⁵ مترجم : ویکیپدیا: کلیسای کاتولیک شرقی (یا در برخی مواقع آن را اونیات uniate می نامند) کلیساهای مستقل و خود مختار و در عین حال تأثیر پذیر از پاپ هستند این کلیسا به همراه کلیسای لاتین کلیسای کاتولیک را تشکیل می دهند.

¹⁶ [nettoyage ethnique et culturel](http://nettoyage.ethnologue.com)



دولت اوکراین مدرن مخلوطی ست مصنوعی از سرزمینهایی که پی در پی رهبران روسی و شوروی واگذار کرده اند. سرشت ذاتی در منشأ ساختگی اوکراین با موجودیتی که دائماً زیر سؤال رفته مصیبت آشکاری است، و گسترش ارضی پس از جنگ دوم جهانی نیز داده ها را باز هم از آنچه هست پیچیده تر می کند. ناسیونالیستترین بخش اوکراین مدرن بخشی از پولند دوران بین دو جنگ جهانی و پیش از این جزء امپراتوری اتریش و پولند بوده و ساکنانش با این سابقه تاریخی نسبت به بخشهای مرکزی یا شرقی کشور خاطره تاریخی کاملاً متفاوتی را حفظ کرده اند.

گروه های اقلیت مجارستانی و رومانیایی که در مناطق جدیداً ضمیمه شده زندگی می کنند (که متعاقباً از چکسلواکی و رومانی ضمیمه شده) در عین حال طبیعتاً هویتی متفاوت از دولتی دارند که فقط به یک فشار کوچک انگشت نیاز داشت تا کاملاً در سطح شناور شود.

همان گونه که در جنگ ترکیبی از آن پشتیبانی کردند و در گزارشات نیوزویک Newsweek نیز تأیید شده است، چند روز پیش از کودتا (که به شکل شگفت آوری از سایت وب آنان حذف شد، ولی در web.archive.org قابل پی گیری ست)، منطقه قومی و مذهبی که از دیدگاه تاریخی از اوکراین غربی جدا می باشد کاملاً علیه رئیس جمهور ویکتور یانوکویچ در حال شورش بود، و اتفاقی نیست اگر وجوه جنگ نامتعارف این اردوی تغییر رژیم از این بخش خاص از کشور شروع شد.

مرزهای رسمی :

تقسیمات درونی اوکراین دقیقاً مصادف است با مرزهای رسمی روی چندین موضوع که می تواند یا شکاف قومی، فرقه گرائی مسیحی، مناطق تاریخی و یا نتایج انتخاباتی باشد و این موضوع ضریب نامتقارن نهایی بود که ستراتیژیستهای امریکائی را متقاعد کرد که جنگ ترکیبی را می توانند برآحتی در اوکراین راه اندازی کنند. اگر کودتای نابهنگام در پایان فبروری ۲۰۱۴ صورت نمی گرفت، به احتمال قوی ممکن بود ایالات متحده از آشفتگی بی سابقه آسیب پذیری های اجتماعی و سیاسی در اوکراین برای جدا سازی فزیکتی طبیعی بخش غربی کشور از مابقی طرفداران دولت

استفاده کند، ولی فقط در صورتی که یانوکویچ می توانست در مقابل تروریستهای طرفدار تغییر رژیم پیوسته پایداری و مواضعش را در مناطق غیر شورشی تحکیم کند.

شکافهای اجتماعی و اقتصادی :

نقشه انتخابات ۲۰۱۰



اوکراین مشابه سوریه است به این معنا که توزیع تقریباً مشابه نامگرهای اجتماعی و اقتصادی وجود داشت، ولی خلاف جمهوری عرب سوریه با ثروت فروتنانه اش، دولت اروپای شرقی در عین حال فقر را بین شهروندانش تقسیم کرده بود. بخش بزرگی از اوکرائینی هائی که در فقر فرو رفته یا خیلی به آن نزدیک بودند دره وسیعی برای استخدام فعالان ضد دولتی و به خدمت گرفتن آنان توسط رهبران سازمان های غیر دولتی در

انقلاب رنگی ارو-میدان (euro-maidan) فراهم کرد، و نبود هر گونه میهن دوستی ریشه دار در تمدن یا در ابعاد ملی (به جز تمایلات انحرافی فاشیستی به نمایندگی پر اوی سکتور Pravy Sektor و دیگران) به این معناست که ضمانت اجتماعی وجود ندارد تا از ظهور گروه های متعدد شورشی جلوگیری کند، و می تواند از پیش سازماندهی شود و در وقت مناسب و سر بزنگاه گسترش داده شوند.

جغرافیای طبیعی :

در دوران پیش از جنگ، یگانه بخش از اوکراین با جغرافیای متشکل از دشت کریمه است که از دیدگاه فنی بیشتر به شکل جزیره عمل می کرد تا شبه جزیره. این موضوع یعنی وضعیت جغرافیایی جمهوری خود مختار به شکل مزاح آمیزی به ضرر ایالات متحده تمام شد زیرا به ساکنانش کمک کرد که به شکل طولانی مدت از خودشان دفاع کنند و برای جدائی از دولت ورشکسته اوکراین رأی بدهند، بر این اساس بود که اشتباه تاریخی خروشچوف را ترمیم کردند و سرانجام به برادرانشان در روسیه پیوستند. این عناصر جغرافیایی مساعد در دونباس وجود نداشت، و موجب شد که اقدامات دفاعی میهن دوستان برای دفاع از سرزمینشان به مانع برخورد کند و در مقابل حملات متعدد کی یف خیلی بیشتر آسیب پذیر باشند. در محیط پیش از کودتا، جغرافیای بدون مانع اوکراین برای «انقلابی های» غربی کمال مطلوب بود زیرا پس از این که کی یف به اندازه کافی اسلحه، تجهیزات و خودروهای پاسگاه های پولیس و پادگانهای نظامی^{۱۷} را به غارت می برد و انبار می کرد، می توانستند جنگ برق آسا را به شیوه دولت اسلامی در عراق و سوریه (ISIS) آغاز کنند.

پیش شرط و آماده سازی :

این موضوع فراتر از چارچوب نوشته حاضر است و نمی توانیم به شکل جامع در اینجا به وجوه مختلف پیش شرطهای آماده سازی اجتماعی در جنگ ترکیبی پردازیم، ولی به طور کلی می توانیم سه عامل توده ئی را در نظر بگیریم،

¹⁷ [casernes militaires](#)

مسائل اجتماعی و رسانه‌ها-آموزش-سازمانهای غیر دولتی. جزئیات موضوع پیش شرطهای ساختاری کمی متفاوت هستند، به این علت که در خارج از فشار مجازاتها قرار دارند. عنصر دیگری که به شکل گسترده در بخش ۱^{۱۸} مورد بررسی قرار گرفته (به ویژه هرج و مرج در بازار انرژی) تا سال گذشته به وقوع نپیوسته بود و در نتیجه جزء عوامل شروع کننده دو جنگ ترکیبی که بررسی کردیم نبوده است. با وجود این، عناصر خاص دیگری مطمئناً برای هر یک از این دو دولت وجود داشته است، صندوق های خالی اوکراین به دلیل بزهکاری بومی و انگلی، و سوریه که باید دائماً بین نیازهای نظامی برای دفاع در مقابل اسرائیل و تعهدات اجتماعی اش در مقابل مردم سوریه تعادل ایجاد کند (بازی روی ریسمان که در طول دهه ها با موفقیت انجام شد).

*- درباره آندریوف کوریبکو

تحلیلگر سیاسی امریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور ستراتیژیک ایالات متحده در افریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی^{۱۹} است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس سپوتنیک کار می کند و دوره دکترا در انستیتو دولتی مناسبات بین المللی مسکو MGIMO بوده و مونوگرافی « جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement de régime \(2015\)](#) یکی از نوشته های اوست. مقاله حاضر به کتاب نظریه جنگ ترکیبی در آینده ضمیمه خواهد شد.

لینک متن اصلی :

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-2-testons-la-theorie-en-syrie-et-en-ukraine>

پاریس ۲۶ نومبر ۲۰۱۹

Guerras hybrides :

2. Testons la théorie en Syrie et en Ukraine

Par Andrew Korybko (USA) – Le 11 mars 2016 – Source

¹⁸ آندریوف کوریبکوک جنگهای ترکیبی. ۱. قانون جنگ ترکیبی.